

وحید رهبانی:

تماشاگر دنبال هیجان است

به جد می‌توان گفت با شخصیت «محمد» در سریال «گاندو» او به یک قهرمان برای مخاطبان تبدیل شده و از حالا، خیلی‌ها انتظار دارند که او را در فصل دوم این سریال ببینند. وحید رهبانی در گفت‌وگویی با «صبا» از راه پرفراز و نشیبی که طی شده، توضیحاتی را ارائه داده که با حذف سوال‌ها، قسمت‌هایی از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.



با توجه به تحقیقاتی که تیم نویسنده و کارگردان روی کار انجام دادند، احتمالاً این ریسک را نمی‌کنند که به مخاطب دروغ بگویند و کاراکترهایی به دور از واقعیت خلق کنند! این شخصیت‌ها وجود دارند و کار می‌کنند. اگر من سازنده چنین سریالی بودم همین کار را می‌کردم و افراد را نزدیک به واقعیت به تصویر می‌کشیدم. همان‌طور که جواد افشار چند روز پیش در مصاحبه‌ای گفته است، این نیروها با همین سن و سال کم در گروه‌های امنیتی وجود دارند البته نه این که همه جوان باشند بلکه سلسله‌مراتب خودشان را دارند و همان‌طور که در سریال می‌بینید افراد باتجربه در رأس و نظاره‌گر کارها هستند.

من با این افراد ملاقات نداشتم و فقط از چیزهایی حرف می‌زنم که شنیده‌ام. آنچه بیننده می‌بیند همان چیزی است که در فیلمنامه نوشته شده و کارگردان به ما توضیحات لازم را ارائه داده است، البته مشاورانی سر صحنه در کنار ما بودند. فکر می‌کنم «گاندو» خیلی به واقعیت نزدیک است. ما باید بخش‌های نمایشی را به کار اضافه کنیم و در آمریکا هم این اتفاق در سریال‌سازی تجربه می‌شود؛ یعنی وجه نمایشی و درام بودن ماجرا را در نظر می‌گیرند بعد دست به تولید می‌زنند. تماشاگر فلفل و نمک می‌خواهد و به دنبال دیدن هیجان است.

با احترام زیادی که ما به دستگاه پلیس کشور داریم، ماجرای «گاندو» پلیسی نیست و مربوط به پرونده‌های اطلاعاتی و تجسس است که به هوش افراد فعال در آن بستگی دارد. در این گونه آثار، رویدادها شبیه پازل حل می‌شوند.

در زمان تست گریم هم بین کارگردان و عوامل، صحبت‌هایی انجام می‌شد. من با ریش کوتاه‌تر به خصوص برای شخصیت «محمد» موافق‌تر بودم، اما تصمیم کارگردان و طراح گریم چیزی شد که شما می‌بینید، اما معنایش این نیست که «محمد» یا هر کس دیگری در پرونده‌های مختلف با همین شکل حضور دارند. تغییر چهره یکی از جوانب شغل این مأموران است. در همین سریال همه شخصیت‌ها شبیه به هم نیستند؛ مثلاً پندار اکبری که نقش «سعید» را بازی می‌کند ظاهری متفاوت‌تر نسبت به دیگر کاراکترها دارد. بنابراین این‌طور نیست که این مأموران صد درصد همه ریش داشته باشند و... بلکه بر اساس موقعیت پرونده، اگر لازم باشد تغییر ظاهر هم می‌دهند.

به نظر باید عوامل متعددی دست به دست هم بدهند تا مجموعه‌ای موفق ساخته و به اثری کلاسیک تبدیل شود و هر ایرانی که آن را می‌بیند لذت ببرد.

تئاتر، همیشه خانه اول من است و همین حالا با چند هنرپیشه در گپ و گفت هستم تا کار جدیدم را به صحنه ببرم. من تئاتر را به هیچ چیز دیگری نمی‌فروشم و با وجود این که هیچ کدام از مدیوم‌ها به دیگری برتری ندارند. من در هر کدام از فضاهایی که هیجان مورد نظر مرا تولید کند، حضور پیدا می‌کنم؛ ممکن است نقش اصلی سریال باشم یا مسئول انتخاب بازیگران یک کار یا تمرین تئاتر با نوجوانان! تئاتر جایی است که من در آن ورزش روحی می‌کنم و در تئاتر به آدم پخته‌تر و بهتری تبدیل می‌شوم. بعید می‌دانم کار تصویر بتواند من را از تئاتر جدا کند به این دلیل که از دیدگاه من تئاتر منزل اول است.

کار تصویر نفریح من است. آثار تصویری شبیه فوتبالی است که در کوچه بازی می‌کردم و همان حس را به من می‌دهد. باید وقتی سر صحنه می‌روم و تبدیل به آن کاراکتر می‌شوم و حتی تا ۱۶ ساعت کارم ادامه پیدا می‌کند، سرپا و قیافه باشم و نقش به من احساس مفید بودن بدهد. من باید احساس کنم در حال ساخت اثری هنری هستم. اگر کاری که پیشنهاد می‌شود چنین ویژگی داشته باشد، می‌پذیرم و این مسئله به خیلی چیزها بستگی دارد؛ فیلمنامه و قصه، کاراکتر، کارگردان و...